٤ــ لَهَجاتُ[1] نَوعٍ واحِدٍ مِنَ الطُّيورِ تَختَلِفُ مِن مِنطَقَةٍ إلىٰ مِنطَقَةٍ أُخْرىٰ.

مجرد به حرف ج — مجرد به حرف ج

آوازهای یک نوع از پرندگان فرق می‌کند از منطقه‌ای با منطقه‌ای دیگر.



٥ــ يُقَدِّرُ الْعُلَماءُ أَنواعَ الكائِناتِ الْحَيَّةِ في بِحارِ الْعالَمِ بِـالْمَلايينِ[2]. (يُقَدِّرُ: برآورد می‌کنند)

فاعل — مضاف‌الیه

برآورد می‌کنند دانشمندان انواع موجودات زنده را در دریاهای جهان به میلیون‌ها.



معین کن فعل متعدی را از این فعل‌هایی که آمده است در جمله‌های گذشته :

ب: عَيِّنِ الْفِعلَ الْمُتَعَدّيَ مِنْ هٰذِهِ الْأَفعالِ الَّتي جاءَتْ فِي الْجُمَلِ السّابِقَةِ:

تَسْقُطُ / يَأْكُلُ / تَخْتَلِفُ / يُقَدِّرُ

می‌افتد / می‌خورد / فرق می‌کند / برآورد می‌کند

لازم — متعدی — لازم — متعدی

١ــ **لَهَجات:** لهجه‌ها ٢ــ **اَلْمَلايين:** میلیون‌ها